

ترجمه و تلخیص مهین دخت خامنه‌ای

کارآموز وکالت دادگستری

هیئت منصفه در دادگاههای کشورهای متحده امریکای شمالی

هیئت منصفه چیست ؟

هیئت منصفه یا Jury افرادی هستند که دعوت شده‌اند تا در باره صحت یا سقم اعمال منتسب به متهم که در حضور آنها در دادگاه مطرح میشود اظهار نظر کنند بدون اینکه به صفت حقوقی آن اعمال کاری داشته باشند. در کشورهاییکه هیئت منصفه در تمام یا قسمتی از محاکمات دخالت دارد رسم بر این جاریست که هرآن ممکن است نامه‌ای بدست افراد آن کشورها اعم از زن یا مرد برسد و از آنها برای شرکت در هیئت منصفه دعوت کند. ولی در کشور ما تنها کسانی را دعوت میکنند که طبق مقررات خاصی قبلاً انتخاب شده و اساسی آنها در فهرست مخصوصی نگهداری میشود. این افراد نه تنها وظیفه‌ای را که اجتماع به آنان محول نموده انجام میدهند بلکه باعث میشوند که دستگاه قضائی کشور کمتر مورد انتقاد افراد قرار بگیرد زیرا خود آنها در یکقسمت مهمی از آن بعنوان عضو هیئت منصفه سهیمند.

هیئت منصفه در کشورهای مختلفه

قبل از اینکه به بحث اصلی خود که هیئت منصفه در کشورهای متحده امریکای شمالی است پردازم کمی راجع به وضع و حالت هیئت منصفه در بعضی از کشورهای اروپائی و امریکائی در گذشته و حال بپردازم.

باید توجه داشت که سازمان قضائی امریکا از کشور بریتانیای کبیر گرفته شده زیرا در هردوی این کشورها Common Law حکومت میکند و موضوع هیئت منصفه هم از کشور انگلستان به امریکا رفته است ولی در کشورهایی هم که قوانین مدون دارند و بزبان انگلیسی تکلم نمیکند محاکمات بوسیله هیئت منصفه مورد قبول قرار گرفته است معمولاً فعالیت هیئت منصفه در این کشورها محدود است به دادرسی‌های جنائی. در بلژیک محاکمات جنائی و سیاسی و مطبوعاتی بوسیله هیئت منصفه است. در یونان از سال ۱۸۳۴ تا کنون محاکمات در حضور هیئت منصفه انجام میگردد در نروژ از سال ۱۸۸۶ تا کنون محاکمات جنائی بوسیله هیئت منصفه انجام میشود در سوئد فقط در محاکمات مطبوعاتی هیئت منصفه وجود دارد. در حالیکه در فرانسه و ایتالیا محاکمات مهم جنائی با حضور و قضاوت هیئت منصفه انجام میگردد. در آلمان قبل از جنگ اخیر کلیه محاکمات باستثنای خیانت به وطن و جرائم سیاسی و مطبوعاتی بوسیله هیئت منصفه انجام میگرفت. در حال حاضر کلیه جمهوریهای امریکای جنوبی در جرائم جنائی خود از هیئت منصفه استفاده میکنند.

در ایران هم از سال ۱۳۱۰ تا کنون برحسب تجویز اصل ۷۹ متمم قانون اساسی و

ماده ۱ قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱ و صراحت ماده ۳۱ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۳۳۴ رسیدگی به جرمهای سیاسی و مطبوعاتی باید در دیوان عالی جنائی و با حضور هیئت منصفه بعمل آید.

سابقه و تاریخ هیئت منصفه

در ابتدای تاریخ بشریت رئیس یک قبیله کوچک هم قانونگذار بود هم قاضی و هم Juror بود. وقتی قبائل توسعه پیدا کرد و بزرگتر شد قدرت رئیس قبیله بهمان نسبت کم شد و در محاکمات عده‌ای از جنگجویان قدیمی شرکت میکردند و بالاخره بصورتی درآمد که رئیس قبیله بعنوان قاضی از نقطه نظر قانون در دادرسی‌ها شرکت میکرد و بقیه افراد قبیله بعنوان هیئت منصفه حاضر میشدند. در آن زمان از لحاظ عده شرکت کننده در هیئت منصفه محدودیتی وجود نداشت. آنچه از تاریخ یونان باستان راجع به این مسئله بدست آمده گاهی بطور نامرتب از هیئت منصفه استفاده کرده‌اند ولی گاهی مشاهده میشود که روشی عینا شبیه روشی که از لحاظ هیئت منصفه در حال حاضر بکار میرود داشته‌اند. بطوریکه در آتن لیستی بدست آمده است که در آن از ۶۰۰ نفر افراد مختلف جامعه نامبرده است که در موقع احتیاج به تشکیل هیئت منصفه از آن استفاده میکردند و این لیست هر ساله تجدید میشده است. در حال حاضر اغلب کشورهای بهمین طریق رفتار میکنند. مثلاً در ناحیه Bronax از توابع نیویورک سیتی لیستی از ۲۶۰۰۰ نفر Juror وجود دارد و حتی در بعضی از نواحی کم جمعیت که محاکم آن سه ماه یکبار برای دادرسی تشکیل میشود لیست هائی در حدود ۳۰۰ نفر یا کمتر وجود دارد. در آتن برای یک محاکمه معمولی از ۲۰۱ نفر بعنوان هیئت منصفه نامبرده است و گاهی این عده به ۵۰۰ تا هزار نفر هم میرسید. در محاکمه معروف سقراط ۵۰۱ Juror رأی دادند و در نتیجه او را بجرم تحریک جوانان به فساد و بیدینی محکوم بنوشیدن زهر معروف شوکران نمودند. در آنموقع در آتن برای راهنمایی هیئت منصفه از لحاظ موازین قانونی قاضی وجود نداشت و اعضاء هیئت منصفه حق مشورت با یکدیگر را نداشتند بلکه به هر شرکت کننده ورقه‌ای داده میشد که در موقع خروج آنها در گلدانی مفرغی میریختند بعداً آن آراء خوانده و شمارش میشد اگر نتیجه آراء مساوی بود چه در جنائی و چه در مدنی برفع مدعی علیه یا متهم محسوب میگردد. در صورتیکه در حال حاضر بعد از تشکیل دادگاه و خواندن ادعای نامه و شهادت شهود و دفاع و کلاء مدافع و تذکر قاضی به هیئت منصفه از لحاظ موازین قانونی که تمام این جریانات در حضور هیئت منصفه انجام میگردد هیئت منصفه برای مشورت و اظهار نظر باطاق مخصوص مشورت رفته بعد از اخذ تصمیم نهائی یک سخنگو نتیجه رأی هیئت منصفه را قرائت مینماید. در حقوق رم در اوائل جریان عینا شبیه یونان بوده حتی گاهی / ۶۰۰۰۰ نفر در یک محاکمه بعنوان هیئت منصفه رأی میدادند. بعداً این عده کمتر شد ولی در دوره امپراطوری وضع تغییر کرد و محاکمات بدون حضور هیئت منصفه انجام میگرفت.

در کشورهای اروپائی مثل حقوق یونان تمام افراد حق شرکت در هیئت منصفه را داشتند که تحت نظریک قاضی در محاکمات شرکت میکردند. این افراد در آلمان (اسکانن) در فرانسه (échevins) و در ایتالیا (اسکابینی) و در انگلستان doomsman یا

Juror نامیده میشوند. معمولاً کاراینها این بود که چیزی را که عرف کشور تقاضا مینمود اعلام داری دولی قضاوت را معمولاً قضات بر طبق قوانین و عرف انجام میدادند. در دوره شارلمانی اعضاء هیئت منصفه برای مادام العمر انتخاب میشدند. در آلمان وظیفه هیئت منصفه بود که نتیجه محاکمه را اعلام کنند نه قاضی استفاده از هیئت منصفه در محاکمات بوسیله نورمن ها از فرانسه به انگلستان منتقل شد ولی هیئت منصفه ای که در آن زمان در انگلستان وجود داشت با آنچه که امروزه هیئت منصفه نامیده میشود تفاوت فراوان داشت. عضو هیئت منصفه در حال حاضر باید با یک فکر آزاد شرکت کند ولی عجیب اینجاست اگر شخصی بعنوان عضو هیئت منصفه در یک محاکمه شرکت میکند اگر اطلاعاتی راجع به متهم و دعوی مطرح شده داشت دیگر حق شرکت در آن محاکمه را ندارد. در آن تاریخ در انگلستان عضو هیئت منصفه بیشتر حال یک شاهد را داشت و Jury را Juré مینامیدند که بزبان فرانسه یعنی قسم خورده. اگرچه در آن زمان هیئت منصفه در محاکم شرکت میکرد ولی قضاوت و اظهار نظر نمیکرد بلکه تا قرن سیزدهم همان روش محاکمه بصورت دوئل متداول بود و بعدها بعلت اینکه کلیسا در سال ۱۲۱۹ این طرز محاکمه را منع کرد محاکمه بوسیله هیئت منصفه جانشین آن گردید و از هیئت منصفه خواسته شد که قطعی تر اظهار نظر نمایند و نتیجتاً طرفین دعوی مجبور شدند که شخصاً شهود خود را برای شهادت در دادگاه حاضر کنند. زیرا تا آن زمان شهود جزئی از هیئت منصفه بشمار میرفتند در صورتیکه از آن تاریخ به بعد هیئت منصفه مجبور شد که شهادت شهود را استماع نماید و با تلفیق آنها با آنچه که خود شخصاً از موضوع و حقیقت دادرسی استنباط نموده است رأی خود را صادر نماید. ولی اگر تردیدی در اظهارات شهود پیدا میشد هیئت منصفه میتواندست عده ای را نیز شخصاً بعنوان شاهد بدادگاه احضار نماید. بالاخره بعد از قرن پانزدهم در انگلستان بعلت بالا گرفتن کار هیئت منصفه آنها مجبور شدند خودشان به بررسی حقایق پردازد و از قضات هم بخواهند که از لحاظ قوانین مربوط به موضوع دادرسی آنها را راهنمایی کنند. در کشورهای دیگر اروپائی علاوه بر هیئت منصفه قضات متعددی در دادگاهها شرکت میکنند در صورتیکه در انگلستان فقط یک قاضی در هر دادرسی شرکت میکند.

استفاده از وجود هیئت منصفه در محاکم بوسیله مهاجرین اروپائی به امریکا برده شد. ششمین و هفتمین اصلاح قانون اساسی امریکا شرکت هیئت منصفه را در محاکمات آن کشور چه مدنی و چه جزائی رسماً پذیرفته است.

در دادرسی مدنی دخالت هیئت منصفه در موارد مربوط به Common Law اجازه داده شده است یعنی در دعاوی مالی که میزان خواسته بیش از ۲ دلار است هیئت منصفه دخالت میکند و دعاوی مالی کمتر از ۲ دلار و یا دعاوی غیر مالی از قبیل دعاوی ناشی از عدم اجراء قراردادها یا دعاوی بین زن و شوهر در محاکم بنام Equity یا محاکم انصاف مطرح میشود. ولی در یک مورد بخصوص از طلاق که در آن یکی از طرفین نسبت زنا داده شده باشد باز هم هیئت منصفه دخالت خواهد کرد.

همچنین در دادگاههای جنائی دادرسی بطور استثناء ناپذیر با حضور هیئت منصفه انجام میگردد و شرطش اینست که دادرسی باید در محل وقوع جنایت انجام شود.

وظایف اعضاء هیئت منصفه

شرکت هیئت منصفه در دادرسی معرف روح آزادی طلبی و علاقمندی به اجرای عدالت در یک محیط دموکراسی در مردم امریکاست. هیئت منصفه در محاکم جنائی تصمیم میگیرد که آیا باید شخصی را اعدام کرد و یا برای مادام العمر یا مدت محدودی از آزادی محروم نمود. ولی در اغلب محاکمات هیئت منصفه میزان مجازات را تعیین نمینماید بلکه آنها فقط رأی میدهند که بنظر آنها آیا متهم مقصر است یا مقصر نیست **Guilty or not** و تعیین میزان مجازات با قاضی است. در دعاوی مدنی چون دعوی دوطرف دارد بعد از طی جریان دادرسی یعنی اظهارات مدعی و مدعی علیه و شهادت شهود و دفاع و کلاهی طرفین قاضی سعی میکند با تذکر و توصیه هیئت منصفه را بموارد قانونی مربوط به دعوی آشنا کند و هیئت منصفه باید به تذکرات قانونی قاضی توجه کند ولی در موقع رأی دادن میتواند بدون توجه بان و فقط از روی درک و تشخیص موضوع دادرسی رأی خود را صادر کند رأی هیئت منصفه در دعاوی مدنی چنین خواهد بود - برفع مدعی یا برفع مدعی علیه. در محاکم جنائی هم جریان دادرسی عین محاکم مدنی تعقیب میشود یعنی بعد از اینکه هیئت منصفه برای مشاوره باطاق مخصوص خودشان رفتند بعد از مدتی مشورت نتیجه رأی را باین صورت که متهم مقصر است یا بی تقصیر اعلام میدارند ولی در بعضی از ایالات کشورهای متحده امریکای شمالی تعیین میزان مجازات هم با هیئت منصفه است. عده اعضاء هیئت منصفه بستگی به اهمیت موضوع دادرسی دارد و معمولاً بین ۶ تا ۳ نفرند و هیئت منصفه‌ای که از ۲۳ نفر عضو تشکیل شود به **Grand jury** معروف است و فقط در موارد خاصی دعوت میشوند ولی بطور کلی در هر دادرسی چه جنائی باشد چه مدنی اعضاء هیئت منصفه باید ۱۲ نفر باشند مخصوصاً در دعاوی مدنی کمتر از ۳۰۰ دلار ۶ نفر در هیئت منصفه شرکت میکنند.

هیئت منصفه در امریکا بغیر از مواردی که قبلاً بان اشاره کردیم در موارد دیگری نیز شرکت میکنند که در اینجا به یکی دو مورد آن میپردازیم. گاهی اتفاق میافتد که محاکمه‌ای در جریان است که در آن مثلاً مدعی فقط ادعای خسارت نقض قراردادی را کرده است در این مورد تنها کاری که هیئت منصفه باید بکند فقط ارزیابی میزان خسارت است. و یا گاهی قتلی اتفاق میافتد که جریان آن کمی مرموز است مأمور تحقیق این نوع قتلها از یک هیئت منصفه دعوت میکند که بجریان قتل رسیدگی کنند. اینها اظهارات شهود را استماع مینمایند و گزارشی از آن برای مأمور تحقیق میفرستند.

شرکت در هیئت منصفه برای هر فرد امریکائی هم افتخار است هم انجام تعهد و وظیفه. افتخار است زیرا که او حس میکند و مفتخر است از اینکه با اجرای عدالت کمک میکند و از طرف دیگر تعهد و وظیفه ایست که او وجدانا در مقابل احقاق حق مظلومی و یا آزادی بیگناهی دارد و او خود را موظف میداند که بدستگاه قضائی کشور کمک کند تا کسی که با عدل خلافتش نظم جامعه را بهم زده است بسزای عملش برسد بعلاوه شرکت در هیئت منصفه وظیفه ایست که هیچ فرد امریکائی نمیتواند از زیر بار آن شانه خالی کند. اصولاً در کشورهای متحده امریکای شمالی برای شرکت در هیئت منصفه از لحاظ صلاحیت

اشخاص مقررات خاصی وجود دارد. از سال ۱۸۹۸ که ایالت یوتا بزنها اجازه داد تا در هیئت منصفه شرکت کنند بتدریج ایالات دیگر آن کشور هم بان ایالت تاسی نمودند. در حال حاضر در تمام ۵۰ ایالت کشورهای متحده امریکای شمالی زنان حق شرکت در هیئت منصفه را دارا هستند و در هیچیک از ایالات آن کشور منعی برای شرکت آنها وجود ندارد فقط با این فرق که در بعضی از ایالات شرکت زنها هم مثل مردان اجباری ولی در بعضی از آنها اختیاری است. حداقل سن در اغلب ایالات ۲۱ سال و در بعضی ۲۰ سال است و حداکثر در بعضی از آنها وجود ندارد ولی در اغلب آنها بین ۶۰ تا ۷۰ سال است.

البته از لحاظ رنگ هم منعی از لحاظ قانون وجود ندارد و تمام افراد آن کشور اعم از سفید و سیاه میتوانند در هیئت منصفه شرکت کنند ولی با نهایت تأسف باید گفت که هنوز در بعضی ایالات جنوبی آن کشور بعلت وجود تعصبات شدید نژادی این تبعیض کم و بیش بچشم میخورد. موارد دیگر شرائط صلاحیت افراد را از لحاظ شرکت در هیئت منصفه را فهرست وار ذکر میکنم. کسانی که محکومیت جنائی داشته باشند از شرکت در هیئت منصفه محرومند. کسی که در هیئت منصفه شرکت میکند باید سواد خواندن و نوشتن داشته باشد. اعضاء هیئت منصفه باید تبعه دولت امریکا باشند. بعلاوه عده‌ای هم بعلت خدماتی که در دستگاه دولت بعهده دارند و یا وظایف ملی خاصی دارند که در مواقع لزوم قادر بترك محل خدمت و حضور در دادگاه نیستند از شرکت در هیئت منصفه معافند.

طرز انتخاب هیئت منصفه :

چنانکه قبلا نیز متذکر شدم هر ناحیه موظف است به نسبت اهمیت دادگاهها و جمعیتش یک صورتی از اشخاصیکه صلاحیت شرکت در هیئت منصفه را دارند در اختیار داشته باشد که برای هر محاکمه در حدود یکصد تا یکصد و پنجاه نفر از این اشخاص دعوت میشوند تا پس از رسیدگی به صلاحیتشان انتخاب گردند البته از این عده فقط ۱۲ نفر انتخاب خواهند شد که ۱۲ نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل خواهند بود. این بخش یکی از مهمترین بخشهای این مبحث است مخصوصا اینکه در این انتخاب وکلای مدافع متهمین نقش سهمی را ایفاء میکنند. زیرا وکیل مدافع این اختیار را دارد که نسبت به صلاحیت فرد فرد اعضاء هیئت منصفه اعتراض بکند. در اینجا نباید اشتباه شود که منظور وکلای مدافع ممانعت از اجرای عدالت است بلکه آنها تنها سعیشان اینست که از تمام امکانات موجود برای تبرئه موکل خود استفاده کنند و یا اگر موضوعی کوچکترین اثری بر علیه موکل آنها داشته باشد آن اثر را از بین ببرند.

برای مثال: وکیل متهمی در یکی از دادرسیهای جنائی با اینکه خودش هم یهودی بود در موقعیکه مشغول جمع‌آوری مدارک لازم برفع موکلش بود باین خبر برخورد که موکل او یکی دوبار در مجامع عمومی بر علیه یهودیان شهر خود اظهاراتی نموده است همین مسئله باعث شد که این وکیل مدافع نهایت جدیت را بکار برد که حتی یکنفر یهودی هم در محاکمه موکلش بعضویت هیئت منصفه پذیرفته نشود.

امثال این شواهد فراوان است که از حوصله این مقال خارج است. در بعضی از ایالات کشورهای متحده محاکمات جنائی متهم و یا محاکمات مدنی مشکل و در هم پیچیده

باید در حضور (هیئت منصفه خاص) یا (در نیویورک Blue Ribbon Jury) که در حال حاضر فقط در محاکم مخصوص قتل شرکت میکنند. برای این منظور اشخاص بصیرتری را از صورت سابق الذکر جدا کرده و برای تشکیل صورت دیگری (هیئت منصفه خاص) از آنها استفاده میکنند.

انتخاب برای شرکت در دادرسی :

گفتیم وقتی عده‌ای JUROR باید در یک محاکمه یا محاکمات متعددی دعوت شوند از بین تمام آنهایی که صلاحیت انتخاب شدن دارند با در نظر گرفتن شرایط خاص که مهمترین آنها توافق وکیل متهم یا وکلای طرفین دادرسی با فرد فرد آنهاست عده لازم انتخاب میشوند. در موقع شروع دادرسی دادگاه اول راجع به عذرهایی که افراد از نظر عدم شرکتشان در آن دادرسی بخصوص دارند سؤال میکند و اعضایی که احساس میکنند عذر موجهی برای عدم حضور خود دارند علتش را به دادگاه اعلام میدارند و قاضی بعد از استماع آن اظهارات حکم خود را بلافاصله صادر میکند. البته عذرهای موجه عبارتند از کسالت خود عضو یا یکی از کسان نزدیک با او و یا لزوم حضورشان در منزل در آن ساعت بخصوص ولی مثلاً داشتن بلیط برای تئاتر یا بیس بال عذر موجه محسوب نمیشود. بعد از اینکه عذرها شنیده و حکم قاضی راجع بان صادر شد اعضاء هیئت منصفه بمحل مخصوص قسم هدایت میشوند این قسم شامل تمام مشخصات لازم یک عضو هیئت منصفه از قبیل عدم وجود رابطه قرابت یا رفاقت یا دشمنی با طرفین دعوی و یا آشنائی با یکی از شهود مؤثر است. در محاکم بعضی از ایالات وکیل متهم سؤال میکند ولی در بعضی دیگر و محاکم فدرال قاضی سؤال میکند و فقط وکلای مدافع این حق را دارند که سؤالاتی را که بنظرشان میرسد مطرح کرده و در اختیار قاضی بگذارند و قاضی از هیئت منصفه سؤال نماید. منظور از این دقت و بررسی ایجاد یک هیئت منصفه مناسب و بیطرف است. چون جوابها ممکن است نشان دهد که یکی از اعضاء هیئت منصفه مناسب برای شرکت در این دادرسی نیست. مثلاً اگر یکی از اعضاء سالهاست که دوستی نزدیکی با متهم و یا یکی از طرفین دعوی دارد نمیشود از او توقع داشت که بیطرفانه قضاوت کند. یا اگر موضوع دادرسی تصادف و تصادم اتومبیل باشد و اگر حتی یکی از اعضاء هیئت منصفه سالها پیش در اثر تصادف ماشین صدمه دیده باشد غیر ممکن است که نظر مساعدی نسبت به متهم هر قدر هم که از نظر مقررات رانندگی بی تقصیر باشد داشته باشد و تحت تأثیر واقعه‌ای که سالها پیش برایش اتفاق افتاده و او را رنج داده است قرار نگیرد. در محاکمات جنائی و کلاه از اعضاء هیئت منصفه سؤال میکنند که آیا هیچوقت هدف یک جنایت قرار گرفته‌اند یا نه یا اینکه آیا تا بحال دزدی به خانه آنها دستبرد زده است یا نه و امثال آنها.

ولی اعضاء هیئت منصفه باید در نظر داشته باشند سئوالهایی که توسط وکلای مدافع از آنها میشود هر چند بنظرشان سطحی و خصوصی بیاید ولی با همان سئوالات خصوصی است که وکلای مدافع یکی از مهمترین هدفهایشان یعنی جلب محبت هیئت منصفه میرسند. زیرا آنها از لحاظ وظیفه‌ای که در قبال موکلینشان بعهده دارند با تمام قدرتشان سعی میکنند از کوچکترین امکانات موجود بنفع آنها استفاده نمایند. وکیل همیشه سعی میکند که آنچه

را که از هیئت منصفه میپرسد بر پایه سئوالات کاملاً دوستانه ای قرارداد دهد و همانطور که گفتیم تنها هدفش جلب دوستی و محبت هیئت منصفه است.

اعتراضات :

منظور از اعتراض اینست که توسط یکی از افراد ذینفع که معمولاً وکلاء هستند از دادگاه درخواست میشود که از ادامه شرکت یک عضو هیئت منصفه در یک دادرسی بخصوص جلوگیری شود. این اعتراضات ممکن است بدلائل عدیده از قبیل دوستی و قرابت با یکی از طرفین دعوی و با اطلاع قبلی آن عضو راجع به حقیقت دعوی باشد. البته ممکن است که Juror در موقع رسیدگی بصلاحت در حضور قاضی اعتراف کرده باشد که مطالبی راجع به جنایت یا دعوی موضوع محاکمه در جرائد خوانده است اگر چنین شخصی بهمین دلیل مورد اعتراض قرار بگیرد قاضی از او خواهد پرسید که آیا فکر میکند آنچه را که خوانده است ممکن است در قضاوت او مؤثر واقع شود اگر Juror به این سؤال جواب منفی بدهد اعتراض در مورد او مؤثر نخواهد بود. تعداد اعتراضات زیاد است یکقسمت آنها با استنباط شخصی وکیل متهم بستگی دارد که اگر کوچکترین احساسی باو دست دهد که با منافع موکلش تماس داشته باشد به اعتراضات خود ادامه خواهد داد و از این عجیبترا اگر وکیل متهم در حالیکه یکی از اعضاء هیئت منصفه را مورد سؤال قرار داده است در موقع سؤال و جواب احساس کند که از آن عضو خوشش نیامده است آنرا این فکر در او ایجاد میشود که ممکن است عکس این احساس هم صحیح بوده و آن عضو هم از او خوشش نیاید و مآلاً این امکان بوجود میاید که رای او بنفع موکلی را که از وکیلش خوشش نمیاید نخواهد بود و همین احساس او را وادار میکند که نسبت به حضور و دخالت این عضو هیئت منصفه در اتهام موکل خود اعتراض نماید. تعداد این اعتراضات هرچند که زیاد است ولی نامحدود نیست باین دلیل است که وکیل قبل از شروع به سئوالاتش از قاضی سؤال مینماید که حق چند اعتراض دارد معمولاً در دعوی مدنی وکیل هر طرف حق ۶ اعتراض دارد ولی در محاکمات جنائی از ۶ تا ۳ اعتراض تعداد اعتراضات نسبت به اهمیت موضوع دادرسی تغییر میکند. باید توجه داشت هر مباحثه یا عدم توافقی که بین وکلای مدافع طرفین در مورد انتخاب اعضاء هیئت منصفه ایجاد شود حل و فصل آن با قاضی خواهد بود.

رئیس هیئت منصفه :

در بعضی از ایالات اولین عضوی که انتخاب شود بخودی خود رئیس هیئت منصفه برای آن دادرسی خواهد بود. ولی در بعضی دیگر تا وقتی که هیئت منصفه برای مشاوره باطابق مخصوص مشاوره برونه رئیس ندارند. در هر دو صورت یکچنین رئیسی سخنگوی هیئت منصفه خواهد بود و در موقع مشورت هم ریاست جلسه را بعیده خواهد داشت همین شخص است که حامل پیامهای هیئت منصفه به قاضی است و کسی است که یادداشتها تیرا که هیئت منصفه برای قاضی میفرستند امضاء میکند وقتی که مشاوره به رأی رسید هم اوست که رأی را اعلام میدارد.

وظایف و امتیازات Juror یا عضو هیئت منصفه

الف - حضور

محکمه و وکلاء سعی دارند که ناراحتی و زحمت هیئت منصفه را به حد اقل ممکن برسانند تا وقتی که وجود آنها بشدت لازم نباشد از حضور در دادگاه معافند وقتی مطالب و مباحث طولانی حقوقی مطرح است که ارتباطی با هیئت منصفه ندارد ممکن است هیئت منصفه در تمام یا یکقسمت از آنها از حضور معاف باشند. ولی گاهی هم اتفاق میافتد که اعضاء هیئت منصفه بعد از تمام شدن کارشان باز باید در دادگاه حضور داشته باشند تا برای محاکمه دیگر انتخاب شوند. در طول مدت محاکمه هیئت منصفه نباید اطاق مخصوص خود را ترک کنند و در تمام جلسات باید تمام عهده لازم حضور داشته باشند این یک وظیفه اخلاقی نیست بلکه یک وظیفه قانونی است. در صورت تخلف مرتکب جریمه یا زندانی میشود.

محل مخصوص اعضاء هیئت منصفه :

وقتی که کسی بعنوان عضو هیئت منصفه انتخاب شد همیشه باید در محل مخصوصی بنشیند رعایت این امر نه تنها باعث خواهد شد که قاضی و وکلاء او را بهتر بشناسند بلکه کار منشی دادگاه را هم سهلتر خواهد کرد. در محاکمات مهم جنائی تا قاضی بمحل خود نیامده است هیئت منصفه از آمدن به جلسه معافند ولی در محاکمات دیگر میتواند زودتر آمده در محل مخصوص خود بنشینند تا منشی محکمه حضور قاضی را اعلام دارد در اینصورت به احترام قاضی باید از جای خود برخیزند.

شنیدن شهادت شهود :

هریک از اعضاء هیئت منصفه موظف است که بانهایت دقت شهادت شهود را بشنود اگر او درست نتواند صدای شهود را شنیده و مدارکی را که ارائه میدهند ببیند نه تنها حق دارد بلکه موظف است از شاهد بخواهد تا بلندتر صحبت کند یا مدارک را بنظر او برسانند حتی اگر صدای قاضی را درست نشنید میتواند با بلند کردن دست این مسئله را تذکر دهد.

شهادت شهود از نظر هیئت منصفه در دادگاه :

گفتیم که هیئت منصفه با صفت حقوقی موضوع دادرسی کاری ندارند و سروکار آنان فقط با احراز صحت یا سقم اعمال متنسب بمتهم است و تنها راهنمای آنان هم شهادت شهود است و برای روشن شدن منظور باید متذکر شد که در کشور امریکا شهود در دادگاه شهادت میدهند برخلاف محاکم ما که قاضی اظهارات شهود را که در بازپرسی بیان داشته اند فقط از روی پرونده مطالعه میکند و بقول یکی از وکلای ما در مقدمه کتابی که ترجمه کرده است باین مطلب اشاره نموده و گفته است « در کشور ما پرونده محاکمه میشود نه افراد ».

راهنمای دیگر اعضاء هیئت منصفه از نظر کشف حقیقت مسئله Cross Examination است که همان کلمه بازپرسی در زبان فارسی است و باز با این فرق که شهود و متهم در جلسه دادرسی و با حضور قاضی و اعضاء هیئت منصفه مورد بازپرسی و کیل و نماینده دادستان قرار میگیرند و در اثر همین بازپرسی مسلسل است که حتی ممکن است متهمی

در همان جلسه دادرسی اقرار بجرم منتسب کند و یا خلافگویی شاهد کاذبی آشکار گردد. با توجه به مطالبی که بعرض رسید ارزش استماع شهادت شهود در جلسه دادرسی و در حضور هیئت منصفه معلوم میگردد. در این مورد هم باز وکلاء نسبت به اظهارات شهود حق اعتراض دارند و غالباً هم قاضی اعتراضات آنها را وارد میداند زیرا اعتراضات غالباً به موارد قانونی و حقوقی موضوع دادرسی بستگی دارد. هرچند هیئت منصفه کاری به قضاوت قاضی نسبت به اعتراضات طرفین ندارد ولی اگر وکیلی به شهادتی اعتراض کرد و قاضی هم آنرا تأیید کرد در آنصورت به هیئت منصفه اعلام میکند که اظهارات آن شاهد بخصوص را از فکر خودشان خارج کنند. یک وقت هیئت منصفه متوجه میشود یکی از وکلاء یا هر دو شان زیاد اعتراض میکنند که ممکن است باعث سود رشته تعقیب دعوی از دست آنها خارج گردد ولی باز هم این مسئله ربطی به هیئت منصفه ندارد چون اعتراضات بستگی به قوانین حاکم بر موضوع دعوی دارد در صورتیکه هیئت منصفه فقط با موضوع دعوی سرو کار دارد. مقررات راجع به شهادت بر پایه نسلها تجربه و کلاء و قضات قرار دارد که بنظر افراد عادی که وکیل یا قاضی نیستند ممکن است عجیب و بی دلیل بیاید.

منع هیئت منصفه از اظهار نظر قبلی درباره محاکمه‌ای که بآن دعوت شده است

اگر یک نفر را دعوت کردند که در محاکمه‌ای شرکت کند او نباید راجع بآن با هیچکس بحث و گفتگو نماید. اخیراً اسم شخصی را از لیست هیئت منصفه حذف کردند باعث اینکه بمحض اینکه او را برای شرکت در محاکمه قتلی که اتفاق افتاده بود دعوت کردند او اول یک روزنامه خرید که در آن جریان قتل و اظهاراتی که بعضی از شهود نموده بودند مطالبی درج شده بود بعداً مفصلاً راجع به آن با زنش و برادر زنش بحث نمود و همین مسئله باعث میشود که او اطلاعات بیشتری از آن یازده نفر دیگر داشته باشد حتی در موقع مشورت هم نباید اظهار نظری غیر از آنچه که از شهود یا وکلاء یا طرفین دعوی شنیده‌اند بنماید اگر کسی غیر از خودشان بخواهد راجع به جریان دادرسی با Juror صحبت کند نه تنها او نباید بحرفهای او توجهی بنماید بلکه باید در اولین فرصت گزارشش آنرا بقاضی بدهد. حتی عضو هیئت منصفه باید دقت نماید که در جریان دادرسی با هیچکدام از وکلاء یا شهود تماس شخصی نداشته باشد و یک عضو هیئت منصفه مجبور نیست که یک کارگاه آمانور باشد. مثلاً او اگر در محاکمه‌ای دعوت شده است که زنی از صاحبخانه‌اش شکایت کرده و مدعی شده است که پلکان معیوب خانه او باعث شده است که او از پلکان پرت شود و تقاضای خسارت کرده است و در مقابل مدعی علیه هم ادعا دارد که پلکان معیوب نبوده است در ضمن تمام شهود مدعی شهادت داده‌اند که وضع پلکان بعدی ناجور بوده که با وزش نسیمی احتمال در هم ریختن آن میرفتند است همین مرحله کوچکی که از جریان محاکمه گذشته این فکر را در ایجاد میکند که چرا باید جامعه‌ای که او در آن زندگی میکند اجازه دهد که در خانه‌ای یکچنین دام مرگی برای ساکنین آن تعبیه شود که زندگی آنانرا بمخاطره بیفکند در تمام مدتی که مدعی علیه در حال دفاع از خود است او دائماً در فکر است که چقدر باید این صاحبخانه بی فکر را جریمه کرد و آیا چه راهنمایی قانونی از طرف قاضی به هیئت منصفه خواهد شد. ولی وقتی که مدعی علیه میگوید که پلکان مربوطه را یکماه قبل از پرت

شدن مدعی تعمیر کرده است و مقاطعه کاری که تعمیر را برای او نموده بعنوان شاهد خود آورده است و او هم قسم میخورد که پلکان بعد از تعمیر بحدی محکم شده که طاقت تحمل یک بمب را دارد تا چه رسد به نسیم و البته شهود دیگر او هم همینطور شهادت میدهند و دنباله محاکمه بروز بعد موکول میشود و قاضی اعلام میدارد که در روز دیگر وکیل مدعی حساب خواهد کرد و میزان خسارت را با اطلاع دادگه خواهد رساند ولی او هنوز شخصاً قانع نشده است و فکری بخاطرش رسیده است که خود شخصاً پلکان را مورد معاینه قرار دهد و در عین حال میداند که حق تماس با هیچیک از طرفین دعوی و وکلای ایشان را ندارد پس صبر میکنند تا شب شود و مطمئن است که کسی در آن ساعت در اطراف پلکان وجود ندارد در حدود نصف شب با طرف خانه ای که پلکان در آن واقع است میرود و معاینه میکند و شخصاً اظهار نظر میکند که کدامیک از طرفین حقیقت را نگفته اند و حالا او چکار خواهد کرد قانون و عرف باو اعلام میکند که (در همانجائی که ایستاده است متوقف شود) حق این بود که این توقف را در وقتی که آن فکر در او ایجاد شده بود بکند که لطمه ای بموقعیت او در هیئت منصفه و جامعه نرزد. زیرا او حالا یکمشت اطلاعات درست یا نادرست بدست آورده است که در اختیار رفقای دیگرش نمیباشد و همین مسئله حق او را از حضور در هیئت منصفه و ادامه دادرسی ساقط نموده است.

آیا او چه کار باید میکرد ؟

او باید در آن ساعتی که این فکر بخاطرش خطور کرد نامه ای بقاضی مینوشت و اجازه میخواست که او و رفقای دیگرش یعنی تمام اعضاء هیئت منصفه تقاضای یک معاینه محلی را دارند تازه آنوقت یا قاضی مخالفت میکرد یا اینکه دستور میداد که تمام شهود هیئت منصفه و وکلای طرفین باتفاق شخص قاضی برای مشاهده پلکان بروند.

چه اشتباهی را مرتکب شده است ؟

او پلکان را نه در موقع بروز حادثه بلکه مدنی بعد از آن که خودش هم مطمئن نیست آیا در زمان حادثه هم بهمین شکل بوده است یا نه مشاهده کرده است. درست است که او شهادت شهودی را که روز بعد از حادثه پلکان را مشاهده کرده اند شنیده است و بطوره پتواند حقیقتاً بفهمد که از آنوقت تا بحال چه اتفاقاتی رخ داده است ؟ آیا نباید فکر کند ممکن است از زمان حادثه تا کنون که سه ماه گذشته است پلکان را تعمیر کرده باشند ؟ آیا او بتنهائی مطمئن است که نور و هوا در روز معاینه و حادثه یکسان بوده است ؟

ولی اگر او یکروز صبر کرده بود قاضی در توصیه ای که معمولاً به هیئت منصفه میکند به او و دیگر اعضاء هیئت منصفه میگفت که بچه طریقی میشود از همین شهادت ضد و نقیض نتیجه گیری کرده و حقایق را کشف کند.

سؤال هیئت منصفه از شهود :

اگر یکی از اعضاء هیئت منصفه بخواهد از شهود سئوالاتی بکند باید آن سئوال را با اجازه قاضی محکمه مطرح کند. معمولاً نتیجه ای هم از این نوع سئوالات گرفته نمیشود

ولی اگر او اندکی صبر داشته باشد سؤال خود را جزو سئوالاتی که قاضی یا وکلاء از شهود میکنند خواهد یافت.

یادداشت اظهارات شهود و کلاء:

بهیئت منصفه اجازه نمیدهند که از اظهارات شهود و وکلاء یادداشت بردارند و دلیلش هم اینستکه اعضاء دعوت شده بهیئت منصفه در موقعیت‌های شغلی و اجتماعی متفاوتی از یکدیگر قرار دارند و مطمئناً یادداشتی که یک تند نویس از اظهارات شهود و وکلاء برمی‌دارد کاملتر از یادداشتهائی خواهد بود که اغذیه فروش محل که عضو هیئت منصفه است بر خواهد داشت و نتیجتاً این عمل در مشورت و اخذ رای مؤثر خواهد بود ولی اگر در موقع مشورت راجع به متن بیانات و یا شهادت یکی از شهود اختلاف نظری بین اعضاء هیئت منصفه وجود داشت آنها میتوانند از قاضی بخواهند یکدفعه دیگر منشی محکمه آن قسمت مورد اختلاف را برای آنان قرائت نماید بعد از اتمام اظهارات طرفین و وکلاء و راهنمایی لازم توسط قاضی هیئت منصفه برای مشورت باطاق مخصوص مشاوره میروند آنها میتوانند مدارک ارائه شده بدادگاه را با خود باطاق مشاوره ببرند.

در توصیه‌ای که قاضی در مورد موارد قانونی بهیئت منصفه میکند بانها میگوید که تنها شمائید که قاضی مشاهدات خود میبایسید و شما باید حقیقت را با مراجعه وجدانتان و غریزه طبیعی خود درک کنید. برای شما این امکان وجود دارد که پیشنهادات و کلاء و قاضی را در اظهار نظر خود ندیده بگیرید.

چنانچه قبلاً متذکر شدیم در اغلب ایالات اولین عضوی که انتخاب شد رئیس هیئت منصفه برای آن محاکمه بخصوص خواهد بود و بعضی اینکه آنها باطاق مخصوص مشاوره رسیدند او وظیفه خود را از لحاظ اداره جلسات و ارتباط با قاضی و بالاخره اعلام نتیجه رای هیئت منصفه به دادگاه شروع میکند هر فردی از اعضاء باید سعی کند مطالبی که بنظرش رسیده با مطالعه ابراز کند چون وقتی کسی مطلبی را ابراز کرد و بعد به نسنجیده بودنش پی برد پس گرفتن آن کار مشکلی خواهد بود ولی در هر حال اعضاء هیئت منصفه فقط با ابراز عقاید شخصی و تبادل نظر میتوانند به نتیجه مطلوب برسند.

در اطاق مخصوص هیئت منصفه ۱۲ عضو معمولاً بصورت اعضاء هیئت مدیره یک بانک در یک طرف میز بزرگی مینشینند و رئیس جلسه اینطور آغاز سخن میکند. « آقایان ما شهادت شهود را شنیدیم و توصیه قاضی را استماع کردیم » بعداً رویش را بیکی از اعضاء میکند میپرسد مثلاً « آقای x عضو شماره ۷ نظر شما چیست؟ » همینطور از یکا یک اعضاء سؤال میکند وقتی تمام آنها اظهار نظر کردند آنوقت برای رأی حاضر میشوند ولی باید توجه کنند که در اظهار نظر قطعی عجله نکنند. مخصوصاً در محاکمات جنائی باید توجه داشته باشند که زندگی و آزادی فردی در صورت بیگناهی در اختیار آنها قرار دارد. قبلاً گفتیم ممکن است یکفرد برای شرکت در هیئت منصفه‌ای دعوت شود که خودش نظر موافقی به شرکت در آن دادرسی بخصوص ندارد البته همانطور که گفتیم او حق دارد که عدم صلاحیت خود را از لحاظ شرکت در آن دادرسی اعلام کند و عذر حضور بخواهد اگر اتفاقاً قاضی عذروی را موجه ندانست او باید کاملاً احساسات شخصی خود را کنار گذاشته و فقط

از روی شواهد و اظهار نظر اعضاء دیگر هیئت منصفه قضاوت کند و رای دهد.

ارزیابی اظهارات شهود:

در دعوی زنی که از پلکان پرت شده بود که قبلا تعریف کردیم هیئت منصفه با این مشکل روبرو بودند که کدام دسته از شهود حقیقت را ابراز میدارند؟ برای رسیدن به رأی نهائی هر عضوی باید تصمیم بگیرد که به حقیقت گوئی کدامیک از شهود بیشتر ایمان دارد و حتی میتواند اظهارات یک شاهد را در ذهن خود تجزیه کرده قسمتی را قبول و قسمتی را رد کند در موقع تصمیم گرفتن باید عوامل مختلفی را که ممکن است شاهد را تحت تأثیر قرار داده باشد بررسی کند و باید درباره فرد آفرد شهود با تجربیات خودش قضاوت کند و تصمیم بگیرد که آیا او راست میگردد یا نه. باینصورت که آیا او قادر بوده است شخص یا موضوعی را که راجع بان شهادت داده اند خوب ببیند یا بشنود؟ قدرت بینائی یا شنوائی او در چه حدود است؟ آیا جوان و نیرومند است؟ آیا اوقه در کافی باهوش است تا اتفاقاتی را که دیده است همه را بخاطر بسپارد؟ آیا تحت شرایط موجود مدلل یا فقط، محتمل است که او بدرستی همه چیز را دیده یا شنیده باشد؟ آیا قرائن و شواهدی دلالت دارد بر اینکه در شاهد محرکی برای علاقه بیکی از طرفین دعوی وجود داشته باشد؟ بزبان ساده تر آیا او یک شاهد عادل و بیطرفی بنظر میرسد؟ زیرا فقط هیئت منصفه قاضی قابل قبول بودن اظهارات شهود است و تصمیماتش در اینمورد نهائی است و حتی قابل نقض در مراجع بالاتر هم نیست.

در محاکم جنائی ممکن است متهم برای نشان دادن شخصیت اجتماعی خود کسانیرا بعنوان شاهد بداد گاه بیاورد که اصلا از موضوع محاکمه و مورد اتهام بی اطلاع باشند ولی فقط بعلمت آشنائی که بسوابق و اخلاق و روحیات متهم دارند حاضرند بنفع او نسبت به حسن رفتار و اخلاق شهادت دهند این شهود به (شهود حسن رفتار) موسومند و قاضی به هیئت منصفه توصیه میکند که آنها میتوانند از شهادت این شهود هم استفاده کنند. برای اینکه هیئت منصفه به غایت مطلوب خود که همان اجرای عدالت و احقاق حق است برسد باید با نهایت دقت اظهارات کدیه شهود را ارزیابی کند.

تعیین خسارت و میزان مجازات:

در دعوی مدنی عضو هیئت منصفه در موقع رای اول باید تصمیم بگیرد که رای او بنفع مدعی است یا مدعی علیه اگر رای او بنفع مدعی باشد دیگر کاری ندارد مگر اینکه مدعی علیه دعوی متقابل کرده و از طرف و کیلش تقاضای تعیین خسارات وارده باو شده باشد پس در دعوی عادی که دعوی متقابلی نیز وجود ندارد هیئت منصفه اول باید تصمیم بگیرد که آراء آنها بنفع مدعی است یا مدعی علیه اگر رای بنفع مدعی بود بعد باید میزان خسارت را تعیین کنند. البته در این مورد توصیه قاضی راهنمای آنها خواهد بود. مثلا در دعوائی که مدعی زنیست و تقاضای خسارت پای شکسته و خراشی که بصورتش وارد آمده کرده است قاضی به هیئت منصفه توصیه میکند که خسارات را در حدود مخارج معالجه و مدتی که از کار بیکار شده است و رنجی که متحمل شده و لطمه ای که بزبائیش وارد آمده است تعیین کنند. با توجه باین توصیه در مورد تعیین خسارت یک عامل دیگری نیز مؤثر است آنهم حرفه آن زنست. زیرا اگر مدعی یک هنرپیشه یا مدل عکاسی باشد خسارت وارده باو

بیش از زنیست که حرفه اش نقاشی یا خیاطی باشد. یا در مورد شکستن پا اگر پای شکسته متعلق به یک ماشین نویس یا تلفنچی باشد خسارت تعیین شده برای او بزیادی خسارت زنی که رقاصه حرفه ای یا معلم رقص میباشد نخواهد بود.

مجازات‌ها و پیشنهادات بخشودگی:

در اغلب دادرسها مخصوصاً اگر جنائی باشد هیئت منصفه دخالتی در تعیین میزان مجازات ندارد قاضی معمولاً به هیئت منصفه اعلام میدارد که آنها فقط باید نظر بدهند که متهم مقصر است یا بیگناه **Guilty or not guilty** بعد از اعلام مقصر بودن میزان مجازاتی که قاضی تعیین میکند دیگر ارتباطی به هیئت منصفه ندارد. اعضاء هیئت منصفه در آن دادرسی بخصوصی که شرکت دارند هر کدام حال یک قاضی را دارند که نباید بهیچوجه تحت تأثیر احساسات قرار بگیرند و از شدید بودن میزان مجازات ناراحت شوند تازه آنها وقتی که رای به مقصر بودن متهمی داده اند لازم است مجازات است و قبلاً هم از آن اطلاع داشته اند. چون مخصوصاً در اغلب استان‌ها وقتی که هیئت منصفه رای بر مقصر بودن یک قاتل صادر میکند باید بدانند که مجازات او یعنی اعدام ولی اگر هیئت منصفه بعد از صدور رای بر مقصر بودن متهم تقاضای بخششی هم برای او بکند مجازات اعدام به حبس ابد مبدل خواهند شد. در این ایالات اگر هیئت منصفه بخواهند باینکه به مقصر بودن متهمی معتقدند رایشان منجر به اعدام او نشود باید توجه داشته باشند که در ضمن رای تقاضای عفو مقصر را هم بکنند.

گاهی ممکن است این تصور ناراحت کننده برای اعضاء هیئت منصفه ایجاد شود تصمیمی که آنها در یک مورد بخصوص اتخاذ میکنند ممکن است در موارد دیگر مورد استفاده قرار گیرد. ولی این یک خیال باطلی است زیرا این مسئله بکرات توضیح داده شده است که هیئت منصفه فقط برای یک محاکمه بخصوص دعوت میشوند و تصمیمات آنها بهیچ مورد دیگری سرایت داده نمیشود اگر هر عضو هیئت منصفه خود را مقید کند باینکه تمام تعصبات و تبعیض‌ها را کنار بگذارد و به حق اظهار نظر همکارانش بایک روح همکاری و همبستگی احترام بگذارد و هیچوقت با رائی که از توصیه های قانونی قاضی تخلف کند و از نظر محکمه مخدوش و مخالف با شواهد موجود باشد موافقت نخواهد کرد. یک عضو هیئت منصفه حقیقتاً منصفه باید خودش را بجای مدعی یا مدعی علیه فرض کرده و بخاطر داشته باشد که اگر امروز بعنوان عضو هیئت منصفه در این دادرسی شرکت دارد ممکن است روزی هم برسد که خودش یا یکی از نزدیک ترین کسانش بعنوان مدعی یا مدعی علیه به محکمه کشانده شوند و یا بر صندلی اتهام قرار گیرند. فقط با تلاش و بی نظری هیئت منصفه با وجدان است که میتوان عدالت بمعنای واقعی را بوجود آورد.

در محاکمات بزرگ غذای ظهر و شب هیئت منصفه از طرف دادگاه داده میشود ولی دردعاوی کوچک فقط بانها اعلام میشود که چقدر وقت برای صرف نهار یا شام برای آنها تعیین شده است و گاهی اتفاق میافتد که هیئت منصفه بعد از ساعتها مشورت به نتیجه نرسیده اند و شب را هم باید در دادگاه بگذرانند در این صورت محل استراحت مخصوص وجود دارد که هیئت منصفه تقریباً در آن زندانی میشوند البته با تمام وسائل استراحت.

این مورد کمتر اتفاق میافتد و فقط ممکن است در جنایات خیلی مهم و یا دعاوی خیلی بزرگ چنین موردی پیش بیاید. معمولاً به اعضاء هیئت منصفه برای وقتی که صرف کرده اند مزدی پرداخت میشود که مبلغ آن حداقل ۱۰ سنت در روز و حد اکثر آن ۱۰ دلار خواهد بود.

طول مدت مشورت :

در بعضی از ایالات کشورهای متحده وقتی هیئت منصفه باطاق مخصوص مشورت رفتند دیگر ارتباطشان با دنیای خارج قطع میشود تا برای نهائی برسند. ممکن است این مشورت روزها طول میکشد و گاهی اتفاق میافتد که هیئت منصفه در اثر تشتت آراء بعدی مستأصل میشود که بهیچوجه قادر باتخاذ هیچگونه تصمیمی نخواهد بود و این مسئله بیشتر زمانی اتفاق میافتد که هیئت منصفه بخواهد رای یکطرفی صادر کند ولی هیچ توییح یا مجازاتی برای هیئت منصفه‌ای که باین شکل دچار تردید رای شده‌اند پیش بینی نشده است. فقط بستگی به تصمیم قاضی دارد که تمامی آنها را از ادامه مشورت معاف دارد و به خانه هایشان بفرستد.

ولی آنچه که در حال حاضر در محاکم فدرال مرسوم است اینست که در آخر هر شب از تصمیماتی که در آنروز گرفته شده است رای میگیرند و روز بعد دنباله آنرا میگیرند و هر چند روز هم که طول بکشد بهمین طریق عمل میکنند تا رای نهائی اتخاذ گردد و یا اینکه بکلیه کسانیکه ناظر فعالیت این هیئت منصفه‌اند ثابت شود که اینها دیگر قادر بادامه مشورت و اخذ رای نهائی نیستند.

رای هیئت منصفه یا Verdict

کلمه Verdict از دو لغت لاتین Verum Dictum که معنای آن بفارسی (بدرستی گفته شده است) میباشد. زیرا که Verdict حقیقتی است که بوسیله هیئت منصفه کشف شده است. چون هیئت منصفه قسم خورده‌اند که حقیقت را بگویند و حقیقتی که از آنها خواسته میشود همان رای آنهاست ولی بعد از اینکه حدود اختیارات، هیئت منصفه توسعه پیدا کرد و شهود بوسیله مدعی و مدعی علیه و یا وکلای مدافع متهمین به دادگاههای جنائی دعوت شدند اهمیت رای هیئت منصفه زیادتر شد زیرا از صورت سابق که فقط خلاصه‌ای بود از آنچه که این افراد شخصاً استنباط میکردند خارج شد و بصورت مجموعی درآمد از آنچه شهود اظهار داشته‌اند و دفاعیات و کلای مدافع طرفین باضافه استنباط شخصی هیئت منصفه.

از آنجائیکه اعضاء هیئت منصفه از اجتماع کوچکتری انتخاب میشدند که غالباً با همدیگر دوست و همسایه بودند. آنها توقع نداشتند که حتی از طرف یکی از اعضاء مخالفتی با تصمیمات خودشان به بینند. باین جهت از این نوع مشورت که یکعهده آنرا رد میکردند و عده‌ای قبول معمولاً نتیجه‌ای جز تشتت آراء و اختلاف نظر عاید نمیشد ولی در حال حاضر جماعات رای در فرم‌های چاپی بوجود آمده است و طوری تنظیم شده که بهیچوجه ایجاد خشم و ناراحتی نمیکند و برای تمام اعضاء هیئت منصفه قابل قبول میباشد. همین مسئله باعث توجه بیشتر آنها به اصل اتفاق آراء گردیده است.

اتفاق آراء :

اگر مطالعه‌ای در مقررات مربوط به هیئت منصفه در کشورهای دیگری هم که از آن استفاده میکنند بکنیم نتیجه میگیریم که در اغلب آنها احتیاجی به اتفاق آراء در هیئت منصفه وجود ندارد. ولی در کشورهای متحده امریکای شمالی باستثنای ایالت لوئیزیانا و محاکم فدرال در محاکم جنائی اصل اتفاق آراء پذیرفته شده است. با اینکه از لحاظ تعیین مجازات وضع هر ایالت نسبت به ایالت دیگر فرق میکند ولی معمولاً در مورد مجازاتهای بیش از یکسال زندان با اتفاق آراء در هیئت منصفه احتیاج است. در لوئیزیانا در محاکماتی که مجازاتش شدید است به اکثریت نه رای از دوازده رای احتیاج دارند ولی البته در جنایاتی که مجازاتش اعدام است مثل ایالات دیگر با اتفاق آراء احتیاج دارند. و البته در این مورد اختلافات جزئی بین State های مختلفه وجود دارد چون در بعضی از آنها که بشدت پای بند لزوم اتفاق آراء هستند در صورتیکه یک یا دو نفر از اعضاء نتوانند به مشاوره تا اخذ تصمیم نهائی ادامه دهند ناچار منجر به تجدید محاکمه میگردد. ولی در بعضی دیگر به نبودن یک یا دو عضو اهمیتی نمیدهند و یا اینکه از اعضاء هیئت منصفه نظامی یکی دو نفر را جانشین اعضاء غائب میکنند.

در دعاوی مدنی مقررات مربوط به موافقت کلیه اعضاء گاهی با اشکال مواجه میشود وقتی که اعضاء هیئت منصفه در دعوائی متوجه شدند که نمیتوانند بیک رای قطعی برسند عجز خود را از ادامه مشاوره به اطلاع قاضی میرسانند. اگر قاضی بعد از بررسی مشاهده کند که این هیئت منصفه تمام سعی ممکنه را برای حصول توافق بکار برده‌اند و فقط پیچیده بودن موضوع دعوی مانع از رسیدن آنها به نتیجه قطعی شده است دستور تجدید دادرسی را میدهد. در سالهای اخیر بعلت افزوده شدن تعداد اعضاء هیئت منصفه همیشه این مشکل وجود داشته است زیرا که متفق کردن ۱۲ نظر مختلف کار بینهایت مشکلی است که نتیجه اش چیزی جز تجدید دادرسی و تحمیل مخارج فراوان به بودجه کشور نخواهد بود.

متهمین محاکمات جنائی از این اختلاف آراء کمتر ناراحت میشوند. معمولاً یک وکیل مدافع باهوش و مجرب در این قبیل موارد سعی میکند تا جائی که میتواند اشخاصی را برای شرکت در هیئت منصفه انتخاب کند که دارای سوابق و تجربیات متفاوت باشند. زیرا که با جمع شدن دوازده نفر با مذهب - سن و شغل های مختلف شانس ایجاد اتفاق آراء در این عده برای دادستان ناحیه خیلی کم است. چون دادستان ناحیه در دادرسی جنائی و وکیل مدعی در دادرسی مدنی هستند که علاقمند به ایجاد اتفاق آراء در هیئت منصفه میباشند. چون وکیل متهم یا وکیل مدعی علیه فقط بیک رای مخالف احتیاج دارد. زیرا که وکیل متهم یا مدعی علیه اگر نتوانست جلب نظر موافق هیئت منصفه را نسبت به موکل خود بکند تنها امیدش به تجدید دادرسی است و مفهوم تجدید دادرسی از نظر او اینست که موکل او اگر دادرسی جنائی باشد بزندان نخواهد رفت و اگر مدنی باشد پولی را که باید بپردازد موقتاً نخواهد پرداخت زیرا تا وقتی که اتفاق آراء برعایه موکل او بوجود نیامده است او برنده است.

ولی در مورد دعاوی مدنی در موقعیکه اکثریت قاطعی برفع مدعی وجود دارد معمولاً

رای را با همان نظر اکثریت بقاضی اعلام میدارند البته این اکثریت نباید کمتر از ۳/۵ اعضا هیئت منصفه (۱ نفر) باشد و این اکثریت ۳/۵ نه تنها باید در مورد محق بودن مدعی اتفاق نظر داشته باشند بلکه باید در مورد مبلغی هم که مدعی علیه با وپرداد اتفاق نظر داشته باشند.

اعلام نظر هیئت منصفه بدادگاه :

قبلا هم گفتیم از وقتیکه اعضاء هیئت منصفه باطاق مخصوص مشورت میروند تحت نظر یک افسر انتظامی دادگاه قرار دارند. این افسر محافظ اطاق مشاوره است و هیچکس را تا اخذ نتیجه قطعی اجازه دخول یا خروج نمیدهد. بعد از اخذ نتیجه در بعضی از ایالات رسم بر اینست که هیئت منصفه نظر خود را در روی کاغذ مارکدار مخصوصی نوشته و امضاء کرده برای قاضی میفرستند. ولی در بعضی دیگر از ایالات که هنوز اعلام نظر شفاهی مرسوم است بعد از اینکه اتفاق آراء بدست آمد هیئت منصفه وارد دادگاه میشود و قاضی دادگاه از کلیه اعضاء میپرسد که آیا توافق حاصل شد؟ در این جا نوبت رئیس جلسه است بعنوان سخنگوی هیئت منصفه جواب قاضی را بدهد (اگر جنائی است میگوید مقصر است یا بیگناه و اگر مدنی است میگوید بنفع مدعی است یا بنفع مدعی علیه) در هر محاکمه ای نماینده طرف محکوم (وکیل - یا دادستان) از محکمه درخواست میکند که هیئت منصفه (سرشماری) شوند منظور از این سرشماری فقط این نیست که آیا هر ۱۲ نفر وجود دارند چون با یک نظر این موضوع فهمیده میشود بلکه منظور آنها اینست که از فرد فرد اینها سؤال شود که با رای داده شده موافق است یا نه. بعد از طی این جریان اختیارات هیئت منصفه پایان مییابد. در صورتیکه و کلاء هنوز مشغول دادن تذکرات قانونی خود نسبت به رای صادره هستند و طرفی که رای بنفع آنها صادر شده مشغول اخذ تضایق قاضی نسبت به رای صادره هستند و طرف محکوم سعی میکند راهی پیدا کند که رای هیئت منصفه را نقض کند. اینها همه موارد قانونی و علمی عمل تضایق است که به هیئت منصفه ارتباطی ندارد مگر اینکه هیئت منصفه احساس کند که به رای او تجاوز شده است در این مورد هم قاضی با نهایت احترام توضیحات لازم را برای رفع سوء تفاهم و اثناع آنها میدهد بعداً اگر دیگر اعتراضی نداشتند قاضی بانها تذکر میدهد که میتوانند بخانه هایشان بروند.

قاطعیت رأی هیئت منصفه :

گفتیم طرف محکوم یا متضرر از رأی هیئت منصفه سعی میکند که راهی پیدا کند که رأی را نقض نماید. این مسئله کاملاً با قانون ارتباط دارد و کاری با هیئت منصفه ندارد. چون قاضی یک اختیارات محدودی بر روی رأی هیئت منصفه دارد یعنی او میتواند تحت شرایط خاصی رأی هیئت منصفه را بعلمت عدم تطابق باحقایق کشف شده از طرف آنها با رأی که داده اند از نقطه نظر قانون نقض کند. یکی از شرایط دیگری که قاضی میتواند با استفاده از آن رأی هیئت منصفه را نقض کند اینست که نتایجی که آنها بدست آورده اند و رأی که صادر کرده اند کاملاً مخالف با واقعیت و حقیقت موضوع دادرسی باشد. ولی اغلب اتفاق افتاده است که قاضی با اینکه هیچکدام از نظرات آنانرا قابل قبول نمیداند با رأی صادره موافقت نموده است.

اعتراف به رأی هیئت منصفه:

یک عضو هیئت منصفه هیچوقت اظهاری نمیکند تا معرف این باشد رأی که خودش در صدور آن سهمی داشته اشتباهاً یا مبتنی بر خلاف صادر شده است یکی از عللی که همیشه مانع میشود از اینکه عضو هیئت منصفه رأی خود را متهم نماید مسئله قاطعیت در اجرای عدالت است. اگر یکی از اعضاء هیئت منصفه بتواند بر علیه رأی صادره شهادت بدهد و باعث ابطال رأی گردد و کلاً طرف محکوم همیشه منتهای کوشش خود را بکار خواهد برد که از یکی از اینها چیزی بدست آورند و از آن برای ابطال رأی هیئت منصفه و در نتیجه تجدید دادرسی استفاده کند. بعلاوه همین مسئله باعث خواهد شد که مشاوره هیئت منصفه که امر کاملاً پنهانی است آشکار شده و در معرض بحث و انتقاد و بازجویی و رسیدگی دائمی افراد قرار بگیرد. این مسئله نه تنها باعث ایجاد مرافعات دامنه دار و سست شدن پایه های قضاوت و در نتیجه نسخ نتیجه دادخواهی خواهد شد بلکه به آزادی بیان و بحث در جلسه مشورت در هیئت منصفه خاتمه خواهد داد. دیگر هیچ عضو هیئت منصفه ای حاضر نخواهد شد با آزادی قضاوت خود را هر قدر هم که صحیح بودن آن مؤمن باشد اعلام دارد زیرا وقتی بفهمد که همان نظر او ممکن است موضوع بحث عمومی قرار گرفته و بر علیه خودش بکار رود تا آنجائیکه ممکن است حتی خودش هم مورد بازجویی قرار بگیرد.

رأی هیئت منصفه نباید مثل قرعه کشی و بخت آزمائی باشد بلکه باید بر پایه مشورت صحیح و دلایل کافی استوار گردد و در دعوائی که بوسیله دیوانه‌الی کشور مورد تجدید نظر قرار گرفته بود یکی از اعضاء هیئت منصفه شهادت داده بود که در این دعوی که مربوط بیک پرونده مالی بود بجای اینکه هر دو ازده نفر عضو با هم مشورت کنند و تصمیم بگیرند پولی را که مدعی علیه باید بمدعی بپردازد چقدر باید باشد آنها تصمیم گرفتند که هر یک جداگانه در یک کاغذ مبالغی را که خودش شخصاً صلاح میدانند بنویسد و نظر جداگانه هر کدام از این ۱۲ نفر را با هم جمع کردند و مبلغ جمع شده را بخش بر ۱۲ کرده و نتیجه‌ای را که بدست آمد بعنوان رأی هیئت منصفه اعلام نمودند. محکمه عالی تصمیم گرفت برای جریحه دار نکردن افکار عمومی و برای لطمه نزدن به احترام مخفی بودن اظهار نظر در هیئت منصفه شهادت این شخص را قبول نکند. ممکن است یکی از اعضاء خودسرانه در یک محاکمه جنائی بر علیه یکی از اعضاء هیئت منصفه یا تمام آنها بیاناتی بکند ولی این بیانات هیچگونه تأثیری در صلاحیت هیئت منصفه نخواهد کرد. مثلاً اگر قبل از شروع مشورت یکی از اعضاء هیئت منصفه اعلام دارد که نتیجه مشورت هیئت منصفه هر چه باشد رأی من بر له یا بر علیه متهم خواهد بود و در طول مدت مشورت هم از توجه براهنمائی و یا اظهار نظر رفقای دیگرش امتناع نماید ممکن است بعد از ختم دادرسی او را باتهام اهانت به دادگاه تعقیب نمایند ولی تعقیب او لطمه‌ای بر رأی صادره از آن هیئت منصفه نخواهد زد.

البته در کشورهای متحده امریکای شمالی محاکم اختصاصی دیگری وجود دارند که در آنها از وجود هیئت منصفه استفاده میکنند مثل محاکم نظامی و دریا داری و امثال آنها ولی در بحث آنها از عهده این مقال خارج است.